

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

داکتر عبدالرحمن زمانی

۲۸ نوامبر، ۲۰۲۲

لویه جرگه ۱۹۴۱ و تلاش ساختن بینی خمیری به رژیم خاندانی نادرشاه

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

نخستین جلسه لویه جرگه ۱۳۲۰ هجری شمسی مطابق ۱۹۴۱ میلادی «ساعت ۲ بجه بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۳ عقرب با شرکت یکهزار نفر نماینده انتخابی مردم [؟]، ۱۰۶ نفر نمایندگان شورای ملی و ۴۸ نفر اعضای مجلس اعیان، هیئت وزرا و مأمورین عالیرتبه ملکی تا درجه مدیر عمومی و صاحبمنصبان ارشد اردو تا درجه غندمشر، اعضای جمعیت العلما و دارلعلوم ها در عمارت قصر سلامخانه با نطق افتتاحیه محمظاهرشاه پادشاه افغانستان افتتاح گردید که در آن روز ریاست جلسه را شخصاً خود شاه بعهدہ داشت، در حالیکه جلسات مابعد را سردار هاشم خان صدراعظم و کاکای شاه ریاست مینمود». (عبدالله مهربان، تاریخ جرگه های ملی در افغانستان، منتشره دلو ۱۳۶۱، ص ۱۴۵، به حواله روزنامه اصلاح، شماره ۷۶ مؤرخ ۱۷ ماه عقرب ۱۳۲۰)

هدف ظاهری لویه جرگه:

شاه هدف ظاهری لویه جرگه را تبادل افکار و تصمیم مشترک ملت و حکومت در مسائل جزئی و کلی مملکت خوانده در نطق افتتاحیه اش گفت که «اجتماع همه شما در مرکز دو علت دارد. یکی اینکه من شخصاً خواستم با بزرگان و نمایندگان ملت عزیز که ممثل آرزو ها و احساسات ملت میباشد ملاقات کنم. و دیگر اینکه اوضاع حاضر که به اثر این جنگ عالمگیر [جنگ جهانی دوم] در ظرف مدت دوسال و چند ماه پیش شده است چنین مجلس را ایجاب میکرد.

شما همه میدانید که باثر این جنگ در مدت کم تغییرات بزرگ نه تنها در اوضاع جغرافیائی جهان بلکه در تمام جوانب زندگی ملل پیش شده است. محارب و غیر محارب را یکسان متأثر کرده

است. مخصوصاً درین چند ماه جنگ از غرب به جانب شرق کشانده شده است و آن مملکت هائیکه قبل ازین خود را از جنگ نسبتاً دور نگاه داشته بودند به صدمات شدیدی دچار شده اند. پس بنابراین لازم شد که افغانستان که درین قسمت شرق موقعیت مهمی دارد درین وقت نازک در سیاست خارجی خود که به اساس بیطرفی و صلح بود و هست در مقابل این حوادث موجود طوریکه باید و شاید غور و دقت کند و ملت و حکومت که هیچ وقت از یکدیگر جدائی نداشتند و در مسائل جزئی و کلی مملکت یک دست بودند، تبادل افکار و تصمیم لازم بگیرند». (محمد علم فیض زاده، جرگه های بزرگ ملی افغانستان (لویه جرگه ها) و جرگه های نام نهاد تحت تسلط کمونست ها و روس ها، ص ۱۹۹ به حواله سالنامه ۱۳۲۰).

هدف اصلی و اهمیت این لویه جرگه:

این لویه جرگه که اولین لویه جرگه سلطنت محمد ظاهر شاه بود، از لویه جرگه های قبلی متفاوت بوده و برای رژیم خاندانی اهمیت حیاتی داشت .

رژیم خاندانی که قبل از آن سیاست زدوبند های پشت پرده و حفظ مناسبات با هردو جناح جنگ را اختیار نموده و به تعقیب اعلان بیطرفی اول سپتمبر ۱۹۳۹، به تاریخ ۱۷ ماه اگست ۱۹۴۰ برای باقی ماندن اتباع آلمان به مشاغل سابق شان رسماً بیطرفی خود را اعلام کرده بود، با تغییر وضعیت جنگ بخصوص وضعیت جدید ناشی از حمله مشترک روس و انگلیس بر ایران و استعفای رضا شاه، و از همه مهمتر گردن نهادن هاشم خان صدراعظم به خواست انگلیس ها و روس ها برای اخراج آلمانی ها و ایتالوی ها، که برخلاف مهمان نوازی افغانی مثال ریختن پترول بر آتش خشم و نفرت موجود مردم از رژیم خاندانی را داشت، در تنگنا شدید و خطرناکی قرار گرفته بود. لذا فراخواندن این جرگه بزرگ به ادامه تلاش های قبلی بدست آوردن پشتیبانی و حمایت سران اقوام سمت جنوبی و مشرقی و منسوبین اردو، آخرین و بزرگترین تلاش حکومت خاندانی برای بقای رژیمش بود. (برای معلومات بیشتر به مقاله خروج آلمانی ها در دوران جنگ جهانی و سیاست دوپهلوی رژیم خاندانی نادرشاه از همین قلم مراجعه کنید).

تلاش رژیم خاندانی برای ساختن بینی خمیری:

هاشم خان و رژیم خاندانی نمیتوانستند بصورت آشکار از دستور انگلیس ها در مورد اخراج آلمانی ها و ایتالوی ها از افغانستان خودسرانه اطاعت کنند چون این کار بر نارضایتی مردم می افزود. لذا درین رابطه به دو اقدام دست زدند:

الف - تقاضای هاشم خان از انگلیس ها برای ساختن بینی خمیری.

بعد از آنکه رژیم خاندانی به تعهداتش به آلمان پشت زده و به خواست انگلیس ها تسلیم شد و تصمیمش را در رابطه با اخراج آلمانی ها و ایتالوی هابه تاریخ ۱۷ اکتوبر از طریق رادیو ستیشن کابل اعلام نمود، از انگلیس ها خواهان گذشت های کوچک و ساختن بینی خمیری شد.

یکی از اسناد آرشیف انگلستان درین رابطه حاکیست که « صدراعظم و وزیر امور خارجه اش بر یکسری امتیازات کوچک از سفیر انگلیس ها پافشاری نمودندکه هدف شان دلیل تراشی عشق پاک حکومت شان به استقلال و بی طرفی افغانستان بود. آنها خواستند تا هیچکدام از کسانی که اخراج میشوند به دست شوروی نیفتند، و بریتانیا امنیت و مصارف بازگرداندن آنها را تضمین کند، و چندین امتیاز جزئی در رابطه با بکس ها و سفر شان از طریق هند... تضمین در مورد اکثر این موارد به صورت شفاهی یا کتبی به دولت افغانستان داده شد و نکات دیگر هم حل و فصل شد.»

(اسناد آرشیف انگلستان، سند محرمانه شماره ۴۳ مؤرخ اول نومبر ۱۹۴۱).

ب- خرج فراوان پول توسط انگلیس ها:

تیخانف به استناد اسناد آرشیف روسیه مینویسد که «هاشم خان که نگران سرنوشت خاندان شاهی بود، آهسته آهسته به اندیشه اخراج آلمانی ها و ایتالیایی ها از کشور متمایل شد. انگلیس ها برای این که هاشم خان را به اتخاذ یک فیصله سودمند برایشان بکشانند، یکبار دیگر متوجه طلا شده و سببایدی سالانه او را از پنج ملیون به پنجاه ملیون روپیه بالا بردند وهمچنان به تعداد زیاد سیاستمداران بلند پایه افغان نیز پول داده شد.

فرانسیس اوآیلی [سفیر انگلیس] به تاریخ ۱۱ ماه اکتوبر بدون آنکه از کسی نام ببرد، نزد میخاییلف [سفیر روسیه] اعتراف کرد که: «ما به گونه منظم هدایای گرانبهایی می دهیم و تقریباً پول همه خریده‌های گزاف خاندان حاکم برای نیازهای شخصی شان در هند را پرداخت می کنیم و رایگان به آن ها می رسانیم.»

تیخانف علاوه میکند که در کابل، لانکاستر- رزدنت استخبارات انگلیس- آتشه نظامی در کابل- به نوبه خود مسؤل پخش بخششی ها بود. با این همه، حتی گرانبهاترین «هدایا» نمی توانستند از تنفر افغان ها نسبت به انگلیس ها بکاهند». (تیخانف، د جرمنی امپراتوری افغانی جگره، صفحات ۲۲۶- ۲۲۷ / نبرد افغانی استالین - سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون - ترجمه های محمد طاهر کانی و عزیز آرانفر).

آمادگی های لویه جرگه:

قبل از آغاز لویه جرگه رژیم خاندانی برای موافقت سران اقوام با تصمیم خروج اتباع کشور های محور توسط هاشم خان دست به یکسلسله اقداماتی زده و آمادگی های لازم را گرفته بود. به ولایات امر شده بود تا از هر ولسوالی سه نفر و از مراکز ولایات دو دو نفر نماینده به کابل اعزام گردند. قبل از انعقاد جرگه محمد هاشم خان صدراعظم با حضرت فضل عمر مجددی (نورالمشایخ) با هیأت کابینه، رئیس شورای ملی (عبدالاحد خان مایار) با تعدادی اراکین ملکی و نظامی دولت در محل رهایش وکلا (مکتب صنایع سابق، بعد ها مکتب حبیبیه و مکتب عایشه درانی واقع باغ عمومی جنوب رودخانه کابل متصل گنبد تیمورشاه) حضور بهم رسانده اولاً در اطاق های مختلف سر زده بعد در اطاق کلان عده زیادی را بصورت خصوصی و خودمانی ملاقات و آنها را خوش آمدید گفتند. از آن به بعد تا تکمیل تمام نمایندگان و شروع جرگه وقتاً فوقتاً اراکین دولت از اعضای لویه جرگه دیدن میکردند. (محمد علم فیض زاده، جرگه های بزرگ ملی افغانستان (لویه جرگه ها) و جرگه های نام نهاد تحت تسلط کمونست ها و روس ها، ص ۱۹۸).

رشوه دادن انگلیس ها برای جلب حمایت وکلای لویه جرگه از رژیم خاندانی:

تیخائف به استناد از مواد آرشیف روسیه مینویسد که در لویه جرگه «هاشم خان موفق گردید نمایندگان را متقاعد سازد تا فیصله اخراج اتباع آلمان و ایتالیا را از کشور تصویب نمایند. برای این که دلایل هاشم خان بیشتر وزنین باشند، انگلیس ها برای خریدن نمایندگان ده میلیون افغانی را به دسترس او گذاشتند». (تیخائف، د جرمنی امپراتوری افغانی جگره / نبرد افغانی استالین -سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون - ترجمه های محمد طاهر کانی، صفحات ۲۳۳-۲۳۴ و عزیز آرانفر به حواله یادداشت صورت مجلس دیدار میخائیلوف با لانکستر، مؤرخ ۱۹۴۲/۴/۴، آرشیف سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۰۶، سال ۱۹۴۲، پرونده ویژه ۴، کارتن ۱۶، پوشه ۱۶۴، برگ ۵۸).

انگلیسها همچنان وعده دادند همینکه نخستین گروه آلمانی ها افغانستان را ترک گویند، پنج هزار (۵۰۰۰) پوند استرلینگ بدهند. مگر، حتی این تدابیر هم برای انگلستان تضمینی نمی داد که در هنگام برگزاری لویه جرگه، نمایندگان اقوام [مناطق نزدیک به] سرحد سخزانی های شدید ضد بریتانوی نکنند. (همانجا)

سفارت انگلیس در کابل، به خصوص از سخزانی ممکنه سپهسالار شاه محمود خان- وزیر حربیه که در میان قبایل از محبوبیت بسیار برخوردار بود، و با اخراج آلمانی ها از افغانستان موافق نبود،

در برابر نمایندگان جرگه هراس داشت. سردار داؤد خان قوماندان گارنیزون کابل (قوماندان قوای مرکز) نیز در زمینه با شاه محمود خان همنوا و هم داستان بود. هاشم خان در آستانه گشایش جرگه به دشوار توانست آنان را متقاعد سازد، تا در جرگه به نکوهش اقدامات حکومت نپرداخته، و پشتون ها را به جهاد فرا خوانند. ([Hauner M. India in Axis Strategy. Germany, Japan](#)) ([and Indian Nationalists in the Second World War. Stittgart, ۱۹۸۱. P۳۲۸.](#))
هنگامی که سفارت انگلیس در باره توافق به دست آمده در حکومت افغانستان آگاهی یافت، هیل-مستشار سفارت انگلستان با خرسندی و شادمانی به کزلف-مستشار سفارت شوروی اطلاع داد: «کنون دیگر باورمندی کابل به آن هست که این مهره های هوا دار آلمان جرئت نخواهند کرد در برابر هاشم خان بیاستند... چون، این کار می تواند به خیزش قبایل پشتون در برابر حکومت کنونی بینجامد». ([تیخانف، د جرمنی امپراتوری افغانی جگره / ترجمه های محمد طاهر کانی و عزیز آرانفر، صفحات ۲۳۳-۲۳۴، به حواله یادداشت صورت مجلس کزلف با هیل-مستشار سفارت انگلیس در کابل // بایگانی سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۰۷۱، سال ۱۹۴۱، پرونده ویژه ۲۳، کارتن ۱۹۶، پوشه ۶، برگ ۲۴۹.](#))

سخنرانی زمرک خان ببرکزی در لویه جرگه:

همانطور که انگلیس ها پیش بینی کرده بودند، هیچکس نتوانست جلو سخنرانی های ضد انگلیسی نمایندگان اقوام پشتون در لویه جرگه را بگیرد. بخصوص انگلیس ها از سخنرانی زمرک خان، رهبر قبیله جدران [خُدران] بسیار نگران شدند. وی در جمع نمایندگان مجلس اعلام کرد که حاضر است در صورت نیاز بیست (۲۰) هزار جنگجو را به جنگ با انگلیس ها بفرستد و می تواند تا مدت یک سال اسلحه، آذوقه، مصرف لباس و همه اقلام ضروری دیگر این بیست هزار نفر رانیز از پول شخصی خودش تأمین کند.

سرزمین و منطقه خُدران در مجاورت وزیرستان قرار داشته و مقامات انگلیسی در هند می دانستند که یکجا شدن نیروهای زمرک خان با سپاه [حاجی میرزا علیخان] فقیر ایپی چه تهدیدی برای آنها خواهد بود. (همانجا)

اخراج آلمانی ها قبل از لویه جرگه تکمیل شده بود:

اخراج آلمانی ها و ایتالوی ها نقطه عطفی در مناسبات رژیم خاندانی با قدرت های بزرگ بود. برخلاف آنچه در رابطه با اخراج آنها ادعا شده است، انجام این پروسه چند روز قبل از دایر شدن لویه جرگه صورت گرفته و دایر شدن لویه جرگه برای تصمیم در مورد خروج اتباع محور چیزی

بیشتر از خاک انداختن به چشم مردم نبوده است. برای وضاحت و درک این مطلب و سرعت عمل هاشم خان در تطبیق عجلانۀ اخراج اتباع محور نظر مختصر به روزشمار جریان این پروسه عاری از دلچسپی نخواهد بود.

روزشمار خروج اتباع آلمانی و ایتالوی:

▪ بتاريخ ۹ ماه اکتوبر ۱۹۴۱ سفیر انگلیس ها در یک دیدار با هاشم خان از او خواست تا در مدت یک ماه تمام اتباع غیر رسمی کشور های محور را از افغانستان اخراج کند.

▪ دو روز بعد (بتاریخ ۱۱ اکتوبر) سفیر روسیه نیز به نمایندگی از اتحاد جماهیر شوروی عین تقاضا را تکرار کرد.

▪ به تاریخ ۱۳ ماه اکتبر به ساعت ۲ بعد از ظهر، هاشم خان، فرانسیس اوآیلی سفیر انگلیس را نزد خود فرا خواند. در این دیدار، وزیران حربیه و خارجه نیز حضور به هم رسانیده بودند. هاشم خان به اوآیلی اظهار داشت که خواهد کوشید آلمانی ها و ایتالوی ها را طی سه ماه از کشور بیرون نماید. مگر، اوآیلی از هاشم خان خواست این کار را در یک ماه انجام دهد. هاشم خان هم ناگزیر گردید در برابر او کوتاه آید. با این هم، نشاندھی کرد که فیصله نهایی در زمینه را لویه جرگه اتخاذ خواهد نمود.

▪ بتاريخ ۱۵ اکتوبر نجیب الله خان مدیر عمومی شعبه سیاسی وزارت امور خارجه تسلیم شدن به فشار متحدین (انگلیس و روسیه) را توضیح داده و آرزوی حکومت خود را برای صلح و امنیت ابراز داشت. او از رادیو گفت که حکومت افغانستان به صورت مکرر بیطرفی کامل خود را [؟] اعلام داشته است. او علاوه کرد که تقاضای هر دو کشور انگلستان و روسیه برای کشور دردناک است چون انکشاف افغانستان از اخراج اتباع آلمان و ایتالیا متضرر و خساره مند میشود. مگر تحمل این رنجه و درد ها برای آنست تا صلح و دوستی و بیطرفی خود را به اثبات رساند [؟]. موقف بیطرفی افغانستان توسط مجلس وزرا و شورای آن تصویب و تأیید شده است. ذوات رسمی افغانستان توسط تبارز عزم متین و تصمیم نهایی افغانستان برای تحمل همه گونه قربانیها در راه مقابله با وضع شداید و محدودیت ها با حفظ آزادی و عزت و شرف خود [؟؟؟] حاضر و آماده است. (ادمک، روابط خارجی افغانستان... به حواله اسناد آرشیف وزارت خارجه آلمان و همچنان ...؛ ادمک مینویسد که این اعلامیه در روزنامه اصلا به تاریخ ۱۸ ماه اکتوبر سال ۱۹۴۱ نیز بنشر رسیده است).

▪ در بعد از ظهر ۱۷ ماه اکتوبر وزیر خارجه افغانستان به سفرای هر دو کشور آلمان و ایتالیا اطلاع داد که اتباع غیر دیپلومات هر دو کشور باید سریع و خاموشانه خاک افغانستان را ترک کنند.

▪ به تاریخ های ۳۰-۳۱ ماه اکتوبر سال ۱۹۴۱ تمام اتباع آلمانی و ایتالوی از افغانستان اخراج شدند.. «در عین زمان به سفیر انگلیس اطلاع رسید که جرگه بزرگ ملی که بنام لویه جرگه یاد میشود، برای هفته اول ماه نومبر ۱۹۴۱ در کابل فراخوانده شده است.

«سفیر انگلیس به صدراعظم و وزیر امور خارجه به اهمیت تخلیه آلمانی ها و ایتالوی های غیر دیپلومات قبل از تشکیل جلسه لویه جرگه اشاره کرد تا مامورین محور نتوانند از این موضوع برای ایجاد دردسر برای دولت های انگلیس و افغانستان استفاده کنند... تا تاریخ ۲۵ اکتوبر سفارت انگلیس پاسپورت های ۱۵۳ آلمانی (۶۷ مرد، ۵۱ زن و ۳۵ طفل) و ۲۲ ایتالوی (۷ مرد، ۶ زن و ۹ طفل) را تسلیم شد و منتظر رسیدن پاسپورت های حدود ده نفر آلمانی (همه شان مرد) بود». (اسناد آرشیف انگلستان، سند محرمانه شماره ۴۳ مؤرخ اول نومبر ۱۹۴۱، ص ۲).

در سند فوق الذکر آرشیف انگلستان همچنان ذکر شده است که «فراخواندن لویه جرگه شاید تا اندازه علامت ضعف موقف نیمه دیکتاتوری صدراعظم باشد، اما باید بخاطر داشت که او به گمان قوی نمایندگان را از طریق ایجنت هایش انتخاب خواهد کرد و آنها نسبت به اعضای پارلمان، که قبل از اعلان تصمیم دولت راجع به قبولی خواست انگلیس ها و روس ها با آن مشوره نموده بود، ساده تر خواهند بود... در دوران مذاکرات راجع به اخراج آلمانی ها و ایتالوی ها، خطر عمده این نبود که حکومت یحیی خیل شاید خواست ما را قبول نکند، بلکه این بود که ایجنت های محور بتوانند اطاعت به این خواست شانرا بشکل تجاوز استقلال افغانستان ارائه و ازین موضوع برای اتحاد جناح های ضد انگلیس و ضد یحیی خیل استفاده نموده با سقوط حکومت افغانستان یک وضعیت هرج و مرج سیاسی را ایجاد کنند که به نفع کشور های محور باشد. با وجودیکه اخراج اتباع غیر دیپلومات آلمانی و ایتالوی تأمین شده است، اما موجودیت سفارت ها و شبکه های توطئه چین پا برجا بوده و خطر انقلاب در افغانستان رفع نشده است. بحیث آخرین وسیله، بقای سلطه یحیی خیل در کشور به کمک اردو و دادن رشوه به نیروهای نظامی، ملا ها، افراد قومی و ناراضی بستگی دارد... کمک مالی به حکومت افغانستان یک موضوع بسیار حساس بوده، زیرا شواهد نزدیکی بسیار زیاد بین انگلیس و یحیی خیل میتواند توسط دشمنان ما به خرد شدن هردو مورد استفاده قرار گیرد». (همانجا، ص ۳).

قبولی پیشنهادات دیکته شده هاشم خان در لویه جرگه:

روزنامه اصلاح در شماره ۷۵ مؤرخ ۱۵ عقرب ۱۳۲۰ نوشت که «جرگه بعد از استماع بیانات سردار محمد هاشم خان صدراعظم، بیانات سردار شاه محمود خان وزیر حربیه و نورالمشایخ

حضرت فضل عمر مجددی را پیرامون اوضاع سیاسی جهان و افغانستان و تصامیم دولت افغانستان در زمینه موقف سیاسی آن در قبال جنگ جهانی دوم و طرق استرداد مستخدمین و کارمندان آلمانی و ایطالوی به اوطان شان استماع و تصویب ذیل را اتخاذ نمود که توسط نورالمشایخ حضرت فضل عمر مجددی به حصار قرائت گردید که با کف زدن ها آنرا تائید نمودند».

در تصویب نامه آمده است که «ما نمایندگان ملت افغانستان به موجب اختیاراتیکه از مؤکلین ما بما داده شده است [؟] و برای لویه جرگه به کابل آمده ایم، بعد از آنکه بیانات عالیقدر جلالتماب وزیر امور خارجه را راجع به گذارشات عالم و جریانات سیاسی افغانستان تا امروز استماع و در آن غور و دقت نمودیم [؟] بیان میداریم که خط مشی سیاسی که حکومت اعلیحضرت المتوکل علی الله تاکنون تعقیب نموده مطابق آرزو های ما بوده کاملاً درست است لذا ما نمایندگان لویه جرگه سیاست بیطرفی کامل [؟] را که تا حال نگهداشته و در آینده هم بطور قطعی و حکم باید حفظ شود، تصدیق مینماییم». در اسناد آرشیف انگلستان با رضایت از نتایج این لویه جرگه آمده است که «جرگه توسط صدراعظم، که هیچ نشانه ای از دست دادن کنترل خود بر کشور را نشان نمی داد، به خوبی اداره شد. انتخاب سخنرانان او در این بحث احتمالاً نشان دهنده اضطرابیست تا نشان دهد که سیاست او از حمایت ملاها و آن دسته از وزرای کابینه برخوردار است، که اخیراً گفته میشد با تصمیم او مبنی بر اخراج اتباع غیردیپلماتیک محور مخالفت کرده اند. با این حال، در ارزیابی اهمیت جرگه به عنوان نمایش همبستگی ملی، باید این واقعیت ها را در نظر گرفت که تالار جرگه پر از جمعیت بود و کل امور به صورت یک نمایش صحنه مدیریت می شد.

۱۱۵۰ نماینده در کابل با بودجه دولت پذیرایی شدند، به همه سفرخرچ بسیار سخاوتمندانه داده شد، و قبل از برگزاری اولین جلسه، از زاویه دید دولت آگاه شدند. زمان جرگه نیز خوب بود، تا زمان ملاقات، اتباع آلمان و ایتالیا قبلاً افغانستان را ترک کرده بودند، و تقاضاهای بیشتری از سوی متفقین مطرح نشده بود، و صدراعظم توانست در فضای آرامش نسبی از جرگه درخواست رای اعتمادکند». (اسناد آرشیف انگلستان، سند محرمانه شماره ۴۵ مؤرخ ۱۴ نومبر ۱۹۴۱، ص ۲).

دیده میشود که این لویه جرگه هم مانند اقدامات متعدد رژیم خاندانی یک اقدامی بود بعد از اجرای یک عمل انجام یافته و خاک انداختن به چشمان مردم. علاقمندان تاریخ معاصر کشور فراموش نکرده اند که چگونه رژیم خاندانی یک روز بعد از شهادت غلام نبی خان چرخ یک پارچه ورق به نام سند اثبات جرم به کابینه فرستاد و وزرای بلی گو و روحانیون "جمعیت العلماء" آنرا تصویب و در جراید نشر کردند.